

تبیین مبانی فلسفه سیاسی امام خمینی از منظر قرآن کریم و احادیث

سیدمحمدحسن هاشمی^۱، محمد مهدی کریمی نیا^۲، فاطمه دسترنج^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اراک، استان مرکزی، ایران، فعال فرهنگی و پژوهشگر
^۲ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیه قم، استان قم، ایران (نویسنده مسئول)
^۳ دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اراک، استان مرکزی، ایران

چکیده

بحث و بررسی پیرامون بنیان‌های فلسفه‌ی سیاسی حضرت امام یکی از موضوعات بسیار مهم و کارآمد چه در زمینه‌ی سیاست و چه در زمینه‌ی اجتماع است و علت طرح این مسئله نیز به جهت ضرورت و اهمیت این موضوع می‌باشد. گرچه که تا به حال محققان و نویسندگان زیادی در این رابطه زحمات زیادی را به جان خریده و قلم فرسایی کرده‌اند؛ اما این تحقیق در پی آن است که این مبانی را با یک نگاه دقیق و عمیق از منظر قرآن کریم و احادیث امامان (ع) مورد بحث و بررسی قرار داده و این که فلسفه‌ی سیاسی حضرت امام خمینی بر اساس بنیانهای قرآنی استوار شده است. وقتی اندیشه‌ای بر پایه‌ی آیات قرآن کریم باشد از استحکام برخوردار است. گرچه که تا به حال از روشهای مختلفی پیرامون تحقیقات و موضوعات سیاسی استفاده شده است؛ اما روشی که ما در اینجا اتخاذ کرده‌ایم، یک روش تحلیلی-توصیفی بر مبنای یک رویکرد عقل‌گرا و منطقی است تا غرض ما هرچه بهتر از این مسئله‌ی مهم حاصل بشود.

واژه‌های کلیدی: فلسفه‌ی سیاسی، بنیان‌های فلسفه‌ی سیاسی امام خمینی، مبانی معرفت‌شناسانه و هستی‌شناسانه، مبانی انسان‌شناسانه و جامعه‌شناختی، مبانی کلامی فلسفه‌ی سیاسی امام خمینی، نظام سیاست در اسلام از منظر حضرت امام.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

بدون تردید فلسفه‌ی سیاسی حضرت امام خمینی در بسیاری از موارد با اندیشه‌ی سیاسی ایشان تلاقی پیدا می‌کند؛ چراکه هنوز نمی‌توان مرزبندی دقیق و محسوسی برای این دو مسئله بیان کرد. اما تا حدّ امکان سعی بر این بوده است تا بنیادهای فلسفه‌ی سیاسی ایشان بر قرآن کریم و احادیث معصومین (ع) عرضه شود تا تصویر دقیق‌تری از شخصیت ایشان برای ما به دست دهد. ناگفته نماند که در گذشته نیز کتابها و مقالات بسیاری در رابطه با اندیشه‌ی سیاسی حضرت امام خمینی و منظومه‌ی فکری ایشان نگاشته شده که هر کدام از این موارد در جای خود نیز قابل تقدیر و احترام است؛ اما از آنجا که بنیان‌های فلسفه‌ی سیاسی ایشان تا به حال از منظر قرآن کریم و احادیث معصومین (ع) مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است، هدف از نوشتن این تحقیق این بوده است که شخصیت حضرت امام خمینی همچون آینه‌ای زلال و شفاف برای اهل علم و معرفت روشن شود، تا شناخت عمیق‌تری نسبت به این مسئله پیدا کنند. این تحقیق در پی آن است تا با یک روش تحلیل_توصیفی بر مبنای یک رویکرد عقلانی و منطقی به این موضوع بپردازد.

۱. مفهوم شناسی

واژه‌ی فلسفه‌ی سیاسی در واقع از دو بخش بسیار مهم که یکی واژه‌ی فلسفه و دیگری واژه‌ی سیاست است، تشکیل شده است.

۱-۱. مفهوم شناسی فلسفه

طبق بیان برخی از اندیشمندان این واژه مترادف با واژه‌ی حکمت در نظر گرفته شده است. برای مثال در فرهنگ فارسی معین ذیل این واژه آمده است: این واژه همان حکمت و و دانشی است که موضوع آن هستی و وجود است. (معین، ۱۳۹۱ش، ذیل همین واژه). در جای دیگری آمده: فلسفه همان علم به حقایق موجودات به اندازه‌ی توانایی بشر است. (دهخدا، ۱۳۷۷ش، ذیل همین واژه).

بهترین تعابیر را یکی از نویسندگان و محققان معاصر پیرامون این واژه به کار برده است: واژه (فلسفه) مصدر جعلی عربی از کلمه یونانی «فیلسوفیا» به معنای دوست داشتن دانایی است. فیلسوفیا (philosophi) مرکب از دو کلمه «فیلو» به معنای دوست داشتن و «سوفیا» به معنای حکمت یا دانایی است. (المسلمینی، ۱۳۹۳ش، ص ۱۹).

تقریباً همین معنا و مفهوم را شهید مطهری نیز به کار برده است. (مطهری، ۱۳۹۵ش، ص ۱۰۳ و ۱۰۴).

۱-۲. مفهوم شناسی سیاست

سیاست یعنی علم به مصالح جامعه، اداره کردن امور و فراهم ساختن اسباب رفاه و امنیت مردمی که در یک شهر یا کشور زندگی می‌کنند. (عمید، ۱۳۹۳ش، ذیل همین واژه).

اما تعریف دقیق‌تر این است: واژه‌ی سیاست معادل کلمه‌ی (political) و ریشه‌ی لاتین آن نیز (polis) است که به معنای شهر و شهروندی و قانون اساسی و ساختار سیاسی آمده است. سیاست واژه‌ای عربی است و از ریشه‌ی «ساس یسوس» گرفته شده است. در لغت به معنای پرورش و پروراندن و نیز پرداختن به امور مردم بر طبق مصالحشان آمده است. (عمید زنجانی، ۱۳۸۹ش، ج ۲، ص ۱۴۸؛ آقا مهدوی، ۱۳۹۹ش، ص ۶).

۳-۱. مفهوم شناسی فلسفه سیاسی

فلسفه سیاسی نه به مفهوم تاریخ اندیشه‌های سیاسی، بلکه به معنای اندیشیدن به سیاست به شیوه‌ای فلسفی، به فهم و توضیح ماهیت و سرشت حکم و آمریت، اطاعت و تبعیت، ضرورت و غایت جامعه و دولت، دلایل وجود دولت و بهترین شیوه‌ی سازماندهی به زندگی سیاسی انسان به منظور تامین غایات اساسی حیات یعنی عدالت، برابری و آزادی علاقه‌مند است. (بشیریه، ۱۳۹۳ ش، ص ۴۷).

تعریف بهتر، تعریف محسن مهاجرنیاست که می‌گوید: فلسفه سیاسی دانشی است که با رویکرد و روش عقلانی در باره‌ی مطلوبیت‌های زندگی سیاسی انسان‌ها بحث می‌کند و به دنبال این است که بهترین نوع زندگی اجتماعی، بهترین رژیم سیاسی و بهترین تعامل اجتماعی و نیز بهترین غایات زندگی سیاسی را تبیین کند. (مهاجرنی، ۱۳۹۷ ش، ص ۲۱).

در یک نتیجه کلی می‌توان گفت: غرض عمده و اصلی فلسفه سیاسی از طرفی شرح و وصف سازمان‌های اجتماعی گذشته و کنونی است و از طرف دیگر تعیین ارزش آن سازمان‌هاست که به نوعی می‌تواند بیان هدف و غایت این دانش بینا رشته‌ای باشد.

۲. نظام سیاست در اسلام از منظر امام خمینی

بدون شک نظام سیاست اسلامی یکی از زیر مجموعه‌های نظام اجتماعی به حساب می‌آید که نقش بسیار مهمی در منظومه‌ی فکری امام خمینی دارد.

عبدالحسین خسروپناه در رابطه با این مسئله می‌گوید: نظام سیاسی یکی دیگر از نظام‌های اجتماعی است که مبتنی بر نظام معرفتی و تاثیرگذار بر سایر نظام‌های اجتماعی است. منظومه‌ی فکری امام خمینی شامل حوزه‌های معرفتی مختلفی مانند: فلسفه، کلام، سیاست، اقتصاد، فرهنگ و مدیریت است. اما یکی از مهم‌ترین نظام‌های معرفتی در این منظومه، نظام سیاسی است که شامل مجموعه‌ای از عناصر بنیادی، ارزشی، بینشی، غایی، راهبردی به هم پیوسته و مکمل در راستای هدف است. (خسرو پناه، ۱۳۹۵ ش، ص ۵۶۹).

۳. ارتباط بین اندیشه‌ی سیاسی و فلسفه‌ی سیاسی

گرچه ما معتقدیم که دانش فلسفه‌ی سیاسی یکی از زیر مجموعه‌های علوم سیاسی به حساب می‌آید و از این نظر شاید بتوان گفت که در واقع رابطه‌ی بین این دو دانش همان رابطه‌ی منطقی عموم و خصوص مطلق است که یکی عام و دیگری خاص است. اما شاید در اینجا شبهه‌ای پیش آید که اصلاً تفاوت بین دو موضوع اندیشه‌ی سیاسی و فلسفه‌ی سیاسی در چیست.

در واقع باید به این مسئله اعتراف کنیم که این دو بحث تقریباً غیرقابل تفکیک از یکدیگر هستند، به طوری که حتی می‌توان مسائل هر دو دانش را تقریباً یکسان به حساب آورد و از این نظر نمی‌توان تفاوت بسیار محسوس و دقیقی برای این دو قائل شد. چرا که در بسیاری از موارد این دو دانش بینا رشته‌ای با یکدیگر تلاقی پیدا خواهند کرد.

۴. مبانی فلسفه سیاسی حضرت امام خمینی

در این قسمت باید به بحث اصلی موضوع تحقیق پرداخت که در واقع جان مایه‌ی کلام ما به حساب خواهد آمد و خط مشی این تحقیق را تعیین و تبیین خواهد کرد.

۴-۱. مبنای معرفت شناسی (شناخت شناسی عام و خاص) از دیدگاه امام خمینی

در نگرش امام خمینی وحی، فطرت، قلب، عقل و حق انسان، منابع شناخت به شمار می‌روند. اگر ادراک و شناخت فطری و طبیعی انسان (عقل، حق و قلب) با ادراک و شناخت ماورای طبیعی (وحی)، اتصال یابد، شناخت انسان کامل می‌شود تا جایی که به همه‌ی ابعاد وجود، معرفت یابد. (فوزی، ۱۳۹۹ش، ص ۷۴).

در نگاه امام خمینی: مادیون معیار شناخت در جهان بینی خویش را (حس) دانسته و چیزی را که محسوس نباشد، از قلمرو علم بیرون می‌دانند و هستی را همتای ماده دانسته و چیزی را که ماده ندارد، موجود نمی‌دانند. قهراً اینان جهان غیب مانند وجود خداوند تعالی و وحی و نبوت و قیامت را یکسر افسانه می‌دانند، در حالی که معیار شناخت در جهان بینی الهی اعم از (حس و عقل) می‌باشد. (خمینی، ۱۳۷۸ش، ج ۲۱، ص ۲۲۲ و ۲۲۴).

۴-۱-۱. بررسی مبانی معرفت شناسی امام خمینی از منظر قرآن کریم

در واقع می‌توان گفت که آیات بسیاری در قرآن کریم این مطلب را تأیید می‌کنند و در نقد گرایش به مادی گرایی مطالب بسیار دلچسب و زیبایی دارند که در اینجا به جهت اختصار تنها به یک مورد از آنها اشاره خواهیم کرد.

قرآن کریم در نقد تفکر مادی گرایی می‌فرماید:

«وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُم بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ» (سوره‌ی جاثیه، آیه ۲۴)؛

آنها گفتند: چیزی جز همین زندگی دنیای ما در کار نیست. گروهی از ما می‌میرند و گروهی جای آنها را می‌گیرند. و جز طبیعت روزگار [= طبیعت] ما را هلاک نمی‌کند. آنان به این سخن که می‌گویند علمی ندارند، بلکه تنها گمانی بی پایه دارند.

در این آیات بحث دیگری پیرامون منکران توحید است، منتها در اینجا تنها از گروه خاصی از آنها یعنی «دهرین» نام می‌برد که مطلقاً وجود صانع حکیم را در عالم هستی انکار می‌کردند، در حالی که اکثر مشرکان ظاهراً به خدا ایمان داشتند و بتها را شفیعان درگاه او می‌دانستند، می‌فرماید: «آنها گفتند چیزی جز همین زندگی ما در دنیا در کار نیست، گروهی از ما می‌میرند و گروهی زنده می‌شوند» و جای آنها را می‌گیرند، و نسل بشر همچنین تداوم می‌یابد. و روشن است اینکه آنها روی معاد بیشتر تکیه می‌کردند به خاطر وحشتی بود که از آن داشتند، و تأثیری که ممکن بود در تغییر مسیر زندگی هوس آلود آنها داشته باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵ش، ج ۲۱، ص ۲۷۰).

پس به طور کلی می‌توان گفت که در این آیه خداوند به نفی این باور پرداخته است که در آن زندگی، به دنیای ما محدود شده است. مراد از دنیای ما نیز همان دنیای موسوم به جهان مادی و یا در هستی‌شناسی قرآنی، جهان شهادت است. در واقع به بیان دیگر این آیه شریفه خود دلیل روشنی بر بطلان تفکرات ماتریالیستی و مادی گرایی است.

۴-۱-۲. بررسی مبانی معرفت شناسی امام خمینی از منظر احادیث معصومین (ع)

در احادیث امامان معصوم (علیهم السلام) نیز این مطلب فراوان به چشم می‌خورد؛ از جمله اینکه حضرت علی (ع) می‌فرماید:

«وَ إِنَّمَا الدُّنْيَا مُتَنَهَى بَصَرِ الْأَعْمَى، لَا يُبْصِرُ مِمَّا وَّرَاءَهَا شَيْئًا، وَ الْبَصِيرُ يَنْفَعُهَا بَصَرُهُ وَ يَعْلَمُ أَنَّ الدَّارَ وَّرَاءَهَا، (سید رضی، ۱۳۷۹ش، ص ۲۵۰)؛

یعنی به راستی که دنیا، منتهای دید کوردلان است، و ما ورای آن، چیزی نمی بینند، در حالی که شخص بصیر و روشن ضمیر، دیدش در آن نفوذ می کند و از آن می گذرد، و می داند که سرای جاویدان ورای آن است».

آن حضرت در جای دیگری نیز می فرمایند:

«أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ وَ كَمَالُ مَعْرِفَتِهِ التَّصَدِيقُ بِهِ، (سید رضی، ۱۳۷۹ش، ص ۳۲)؛

سرآغاز دین خدانشناسی است و کمال شناخت خداوند متعال، باور داشتن اوست».

۴-۲. مبنای هستی شناسی (نگاه توحیدی و هدفمند به دنیا و آخرت)

امام خمینی معتقد است که هستی فراتر از عالم مادی است و جهان هستی اعم از ماده و روح بوده و خالقی دارد که با هدف معینی آن را آفریده است. بر پایه اعتقاد به این اصل، ایشان جهان را به آفریننده و آفریده تقسیم می کند: خالق و آفرینندهی جهان و همه ی عوالم وجود و انسان، تنها ذات مقدس خدای تعالی است که از همه ی حقایق مطلع است و قادر بر همه چیز می باشد و مالک همه چیز. (فوزی، ۱۳۹۹ش، ص ۷۶).

۴-۲-۱. بررسی مبنای هستی شناسانه ی امام خمینی از منظر قرآن کریم

بدون شک آیات بسیاری در قرآن کریم در رابطه با هدفمندی خلقت آسمانها و زمین و یا حتی انسانها بیان شده است که در این قسمت تنها به ذکر یک نمونه اکتفا خواهیم کرد.

«اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَ مِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، (سوره ی طلاق، آیه ی ۱۲)؛

خداوند همان کسی است که هفت آسمان را آفرید، و از زمین نیز همانند آنها را. فرمان (و تدبیر) او در میان آنها پیوسته فرود می آید تا بدانید خداوند بر هر چیز تواناست و این که علم خدا به همه چیز احاطه دارد».

انسانی که آفریدگان را وسیله ای برای تکامل شناخت و ایمان خود به پروردگارش در نظر نگیرد، از هدف آفرینش گمراه شده است، می دانید چرا؟ بدان سبب که خداوند سبحان و تعالی هر چه را که در زمین است برای انسان آفریده است تا انسان محور آفرینش بوده باشد، پس آنها را برای تن او آفریده است یا برای روانش؟ بدن انسان، از لحاظ جسد، تمایزی با جانوران دیگر ندارد، و هرگز از این روی از فضیلتی برخوردار نیست. و به همین سبب حکمت آفرینش مندرج در روان او است، و در روح آدمی جز عقل چه چیز است که با نگرستن و تدبیر کردن در آفاق آسمانها و زمین رشد پیدا می کند؟! پس آن کس که عقل و خرد او تکامل نیافته، نه تنها حکمت آفرینش خویش را باطل می کند، بلکه حکمت هستی را در پیرامون خویش نیز چنین می کند. آیا چنین نیست؟ (مدرسی، ۱۳۷۷ش، ج ۱۶، ص ۹۵ و ۹۶).

پس در واقع می توان گفت که در این آیه ی شریفه هدف آفرینش آگاهی و بیداری و تقویت ایمان و اعتقاد شما است.

۲-۲-۴. بررسی مبنای هستی شناسانه‌ی امام خمینی از منظر احادیث معصومین (ع)

حدیثی از امام صادق (ع) بیانگر هدفمندی جهان آفرینش و مخلوقات خداوند متعال است:

«الإمام الصادق عليه السلام في جوابِ زنديقٍ سأله: فلأيِّ علّةٍ خلقَ الخلقَ و هو غيرُ محتاجٍ إليهم ولا مُضطَرٌّ إلي خَلْقِهِم ولا يَلِيقُ بهِ التَّعَبُّ بِنا؟ خَلَقَهُم لإظهارِ حِكْمَتِهِ و إنفاذِ عِلْمِهِ و إمضاءِ تَدْبِيرِهِ، (ری شهری، ۱۳۸۶ ش، ج ۱، ص ۴۹۲ و ۴۹۳)؛

امام صادق (ع) در پاسخ به این پرسش زندق که چرا خدا خلایق را آفرید با آن که نیاز ندارد و از آفریدن آنها ناگزیر نیست و بازیچه کردن ما نیز شایسته او نیست؟ فرمود: آفریدگان را بیافرید تا حکمت خود را پدیدار کند و علم خود را به کار زند و تدبیر خویش را بگذراند».

۳-۲-۴. مبنای انسان شناسی (نگاه امام خمینی به انسان و جایگاه او)

در انسان شناسی امام راحل، انسان در کلیت هستی و به عنوان بخشی اساسی از آن و در جایگاه اشرف مخلوقات جای می‌گیرد. از این دیدگاه انسان مجموعه‌ی همه‌ی عالم‌هاست. گویی خدای تبارک و تعالی دو نسخه موجود فرموده است: یک نسخه تمام عالم و یک نسخه‌ی کوچک، یعنی انسان عصاره‌ی همه‌ی موجودات عالم است یعنی در انسان همه‌چیز است. (خسروپناه، ۱۳۹۵ ش، ص ۵۷۶).

انسان موجودی است که خدای تبارک و تعالی آن را خلق کرده است برای اینکه همه‌ی جهاتی را که در عالم هست؛ در انسان هم هست، منتهی به طور بالقوه است، به طور استعداد است و این استعدادها باید فعلیت پیدا کنند. (همان).

۱-۳-۴. بررسی مبنای انسان شناسانه‌ی امام خمینی از منظر قرآن کریم

در قرآن کریم پیرامون جایگاه انسان و کرامت او بحث‌های متعددی مطرح شده است. در سوره‌ی اسراء آمده:

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا، (سوره‌ی اسراء، آیه ۷۰)؛

ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم و بر دریا و خشکی سوارشان کردیم و از چیزهای خوش و پاکیزه روزیشان دادیم و بر بسیاری از آفریدگانمان برتری شان دادیم».

تکریم، موهبت و عنایتی است مخصوص انسان که در چیز دیگری یافته نیست، تکریم و شرافت انسان که خدا به او مخصوص کرده به واسطه عقل و تفکر است که بوسیله آن حق و باطل و مضرّ و نافع و خیر و شرّ را از هم تشخیص می‌دهد، و موجودات کونیّه را به تسخیر خود در می‌آورد و در جهان به دلخواه خود تصرف می‌کند. (قرشی، ۱۳۷۴ ش، ج ۶، ص ۱۱۴ و ۱۱۵).

۲-۳-۴. بررسی مبنای انسان شناسانه‌ی امام خمینی از منظر احادیث معصومین (ع)

در این قسمت به دو نمونه از مهم‌ترین احادیثی که در رابطه با جایگاه انسان و انسان شناسی است، اشاره خواهیم کرد:

حدیث اول: پیامبر خدا (ص) فرمودند: هیچ چیز نزد خدا گرامی‌تر از فرزند آدم نیست. عرض شد: ای پیامبر خدا! حتی فرشتگان؟! فرمود: فرشتگان، بسان خورشید و ماه، مجبورند. (ری شهری، ۱۳۸۶ ش، ج ۱، ص ۴۹۸).

حدیث دوم: پیامبر خدا (ص) فرمودند: هیچ چیزی نیست که [بتوان] از هزار همتای خود بهتر باشد، مگر انسان. (همان).

۴-۴. مبنای جامعه شناسی اندیشه سیاسی امام خمینی

از آنجا که بنیان اندیشه‌ی معرفتی امام خمینی، جهان بینی توحیدی است، جامعه‌ی مطلوب از منظر امام خمینی جامعه‌ی است که شالوده‌هایش بر مبانی و معارف توحیدی استوار باشد. چنین جامعه‌ای را که جامعه‌ی سعادت‌مند دانسته، مطلوب و خواسته‌ی تمام انبیاء، آرزوی عقل و فطرت انسانی و حکم منبع نقلی دین یعنی قرآن کریم و روایات اهل بیت عصمت و طهارت می‌داند. (خسرو پناه، ۱۳۹۵ش، ص ۲۶۲).

به تعبیر وی، همه‌ی انبیاء و اولیاء الهی (ع) درصدد بوده‌اند که تک تک انسانها، همه‌ی جوامع بشری و هم اجتماعات کوچکتری که در نظام اجتماعی کلان قرار می‌گیرند به سعادت برسند و خود در این باره کوشش‌های زیادی نموده‌اند. (خمینی، بی‌تا، ص ۲۳۶).

۴-۴-۱. بررسی مبنای جامعه شناسانه‌ی امام خمینی از منظر قرآن کریم

ایشان در یکی از استنادات خود به آیه‌ی ۲۵ سوره‌ی حدید می‌پردازند و بیان می‌کنند که مهم ترین وظیفه و هدف بعثت انبیاء (ع) برقرار کردن یک نظام عادلانه‌ی اجتماعی و از طریق اجرای قوانین و احکام است؛ که با بیان احکام و نشر تعالیم و عقاید الهی ملازمه دارد. (خمینی، بی‌تا، ص ۷۰).

ما نیز همین آیه را مورد بحث و بررسی قرار خواهیم داد.

قرآن کریم می‌فرماید:

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ. (سوره‌ی حدید، آیه‌ی ۲۵)؛

ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب آسمانی و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند.

برای روشن شدن موضوع چاره‌ای جز مراجعه به یکی از تفاسیر ارزشمند شیعه نیست تا بتواند در این قسمت کارگشا و راهگشای ما باشد. استاد رضایی اصفهانی در تفسیر ارزشمند خود ذیل این آیه می‌فرماید: در این آیه دو هدف اساسی برای فرستادن پیامبران بیان شده است که عبارتند از: الف: برپایی عدالت و قسط در جامعه، ب: آزمایش مردم که معلوم شود چه کسی راست می‌گوید و خدا و رسولش را یاری می‌کند. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۸ش، ج ۲۰، ص ۲۳۱ و ۲۳۲).

۴-۴-۲. بررسی مبنای جامعه شناسانه‌ی امام خمینی از منظر احادیث معصومین (ع)

در ارتباط با بحث جامعه شناسی و اهمیت نظام اجتماعی به یکی از احادیث گهربار پیامبر گرامی اسلام (ص) مراجعه خواهیم نمود که اهمیت ارتباط و به هم پیوستگی اعضای یک جامعه را بیان می‌کند.

حضرت محمد (ص) می‌فرماید:

«مؤمنان در آفرینش و رحمت و عطوفتشان به مانند یک پیکرند؛ که چون یکی زجر و ناراحتی پیدا کند؛ دیگران نیز همچون او در زجر و ناراحتی باشند». (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ص ۲۷۴).

۴-۵. مبنای کلامی

مبنای کلامی یعنی مبنای اعتقاد دینی که از طریق استدلال پذیرفته می‌شود و شامل مباحثی همچون توحید، نبوت، معاد، امامت، عدل و بحث انتظار از دین است؛ باورهایی که در اندیشه‌ی سیاسی متفکران تأثیری بسزا دارد. یکی از مباحث مهم کلامی، توحید و حاکمیت انحصاری خداوند است. امام خمینی این باور را پایه‌ی همه‌ی اعتقادات از جمله عقاید سیاسی خود می‌داند. (فوزی، ۱۳۹۹ش، ص ۸۱).

حضرت امام خمینی در این رابطه می‌فرماید: حکومت و ولایت به حکم عقل، اختصاص به خداوند دارد و تنها اوست که ولایتش به جعل دیگران استناد پیدا نمی‌کند و ذاتاً دارای حق تدبیر انسانها و اراده‌ی آنهاست و چون ولایت از امور اعتباری و عقلایی است؛ لذا دیگران با جعل و نصب او می‌توانند آن را در اختیار بگیرند. (خمینی، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص ۱۰۵ و ۱۰۶).

۴-۵-۱. بررسی مبنای کلامی فلسفه سیاسی امام خمینی از منظر قرآن کریم

قرآن کریم با تعابیر مختلف به حاکمیت خداوند بر تمام اشیاء و اجزاء عالم گواهی می‌دهد و ما در اینجا به ذکر یکی از مهم‌ترین این آیات اکتفا خواهیم نمود.

قرآن کریم در رابطه با قدرت خداوند متعال که حکومت و ولایت تنها از آن اوست، می‌فرماید:

«لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (سوره‌ی حدید، آیه‌ی ۲)؛

مالکیت و حاکمیت آسمانها و زمین از آن اوست. زنده می‌کند و می‌میراند. و او بر هر چیز تواناست.»

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه‌ی شریفه تعبیر بسیار جالبی را به کار می‌برند. وی می‌گوید:

از آنجایی که در ابتدای آیه خبر مقدم بر مبتدا ذکر شده و حق کلام این بود که بفرماید: «مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَهُ؛ یعنی ملک آسمانها و زمین از آن خدا است»؛ ولی چنین نفرمود، بلکه فرمود: «از آن خدا است ملک آسمانها و زمین»، و این عبارت انحصار را می‌رساند، در نتیجه می‌فهماند که: مالک آسمانها و زمین تنها خداست، او به تنهایی است که هر حکمی بخواهد در عالم می‌راند، برای اینکه پدید آورنده همه او است، پس آنچه در آسمانها و زمین هست، قیام و وجود آثار وجودش به خداست، پس هیچ حکمی نیست مگر اینکه حاکم در آن خداست، و هیچ ملک و سلطنتی نیست، مگر آنکه صاحبش او است. (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۹، ص ۲۵۱ و ۲۵۲).

۴-۵-۲. بررسی مبنای کلامی فلسفه سیاسی امام خمینی از منظر احادیث معصومین (ع)

در اینجا به دو حدیث از کلام گهربار مولای متقیان حضرت علی (ع) اشاره خواهیم کرد.

حدیث اول: از امام (ع) معنای لا حول و لا قوه الا بالله را پرسیدند و ایشان پاسخ دادند: ما در برابر خداوند مالک چیزی نیستیم و مالک چیزی نمی‌شویم؛ جز آنچه که به ما بخشیده است. پس چون خداوند چیزی به ما ببخشد که خود سزاوارتر است؛ وظایفی نیز بر عهده‌ی ما گذاشته و چون آن را از ما گرفت؛ تکلیف خود را از ما برداشته است. (سید رضی، ۱۳۷۹ش، ص ۷۲۷).

حدیث دوم: هر مالکی جز او بنده و هر عالمی جز او دانش آموز است. (سید رضی، ۱۳۷۹ش، ص ۱۱۵).

۵. شبهه‌ی جدایی دین از سیاست و پاسخ حضرت امام خمینی

یکی از مسائل بسیار مهمی که همواره در علوم سیاسی مورد بحث و جدل و محل مناظره‌ی اندیشمندان با یکدیگر بوده است، مسئله‌ی سکولاریسم است. این مسئله را می‌توان به اصطلاح یک سوغات غربی به حساب آورد که حضرت امام خمینی به روشنگری پیرامون این مسئله پرداخته و پاسخ هوشمندانه‌ای در این رابطه بیان کرده‌اند که ما نیز به سبب اهمیت این موضوع بدان خواهیم پرداخت.

در نفی این تفکر به سه فراز از صحبت‌های حضرت امام اشاره خواهیم کرد.

فراز اول از کلام امام خمینی:

حضور دین در صحنه‌ی سیاسی موجب کاهش فساد، دزدی، خیانت، جنایت و بی‌عفتی و... می‌شود. با تضعیف جایگاه دین و روحانیت در جامعه، خلل‌هایی در کشور پیدا می‌شود که صدها دادگستری و شهربانی نمی‌توانند بخش کوچکی از آن را اصلاح کنند. (خمینی، بی‌تا، ص ۱۹۰ و ۲۰۲).

فراز دوم از کلام امام خمینی:

والله اسلام تمامش سیاست است و سیاست مدن نیز از اسلام سرچشمه می‌گیرد. بی‌استثنا، دعوت‌های خدا حتی در آن چیزهایی که وظایف شخصی افراد است، بین خود و خدا از معنای اجتماعی و سیاسی برخوردار است. در اندیشه سیاسی امام خود رسول الله پایه سیاست را در دیانت گذاشته‌اند و تشکیل حکومت دادند. اساساً سیاست اسلام در عبادات مدغم است و عبادتش در سیاسات یعنی همان جنبه عبادی یک جنبه سیاسی دارد. (مقیمی، ۱۳۹۳ش، ص ۱۷۵ و ۱۷۶).

فراز سوم از کلام امام خمینی:

ایشان در رابطه با ریشه‌های بحث جدایی دین از سیاست می‌فرمایند: این حرف‌ها را استعمارگران و عمال سیاسی آنها درست کرده‌اند؛ تا دین اسلام را از تصرف امور دنیا و از تنظیم جامعه‌ی مسلمانان برکنار سازند و ضمناً علمای اسلام را از مردم و مبارزان راه آزادی و استقلال جدا کنند. در این صورت است که می‌توانند بر مردم مسلط شده و ثروت‌های ما را غارت کنند. (فوزی، ۱۳۹۹ش، ص ۱۱۴).

نتیجه‌گیری

فلسفه‌ی سیاسی همواره به عنوان یک موضوع بسیار مهم مورد توجه و بحث و بررسی بوده است؛ به خصوص بیان فلسفه‌ی سیاسی متفکران و بزرگان سیاست که قطعاً از اهمیت بسزایی در این میان برخوردار خواهد بود. حضرت امام خمینی بی‌شک به عنوان یکی از بزرگترین متفکران و نوایغ قرن اخیر مطرح هستند. و از مهم‌ترین مصادیق کارهای ایشان تشکیل حکومت اسلامی و برپایی انقلاب به دست با کفایت ایشان بوده است. به همین خاطر است که بسیاری از نظریه‌پردازان و روشنفکران غربی و شرقی به جایگاه حضرت امام خمینی و تأثیرات تفکرات ایشان بر جهان اسلام و حتی جهان غرب و شرق پرداخته و به

جایگاه رفیع این مرد الهی اعتراف کرده‌اند؛ و حتی امروزه می‌بینیم که بسیاری از انقلاب‌ها و جوش و خروش‌هایی که در کشورهای اسلامی به وقوع پیوسته است، با تأسی از نام و یاد حضرت امام خمینی می‌باشد که الگویی جامع و کامل برای تمام مسلمانان و حتی مردم جهان بوده و هستند. مهم‌ترین دستاورد این تحقیق که بیان مبانی فلسفه‌ی سیاسی حضرت امام با تکیه و انطباق بر قرآن کریم و احادیث معصومان (ع) است، توحید و حق‌گرایی حضرت امام می‌باشد.

به عبارتی می‌توان گفت که توحید و حق‌گرایی در فلسفه‌ی سیاسی ایشان بسیار مشهود است و این سطح از اعتقاد به خالق یکتا بسیار زیبا و جالب توجه است. و هدف دیگری که این تحقیق به دنبال آن بودیم، این که محوری‌ترین و مهم‌ترین مبانی فلسفه‌ی سیاسی حضرت امام را با قرآن و احادیث تطبیق دهد تا یک تصویر جامع و دقیق از این انسان الهی به دست دهد تا معرفت نسبت به شخصیت ایشان برای ما آسان‌تر شود و اینکه کمتر کسی را می‌توان مشاهده کرد که این میزان از دقت نظر در فلسفه‌ی سیاسی‌اش مشهود و محسوس باشد؛ چرا که حضرت امام علاوه بر مبانی معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی، دارای دو مبنای بسیار مهم جامعه‌شناسی و کلامی (اعتقادی) هستند که خود بیانگر دقت نظر و نظم اندیشه‌ی سیاسی ایشان می‌باشد و نیز همین مسئله گواهی بر جامع‌الاطراف بودن این شخص بوده و هست.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه (۱۳۷۹ش)، ترجمه‌ی استاد محمد دشتی. قم: انتشارات فریض.
۳. معین، محمد (۱۳۹۱ش)، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۴. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷ش)، لغت‌نامه‌ی دهخدا، موسسه‌ی انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۵. المسلمینی، سید زهیر (۱۳۹۳ش)، آشنایی مقدماتی با فلسفه اسلامی، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
۶. مطهری، مرتضی (۱۳۹۵ش)، کلیات علوم اسلامی، تهران: انتشارات صدرا.
۷. عمید، حسن (۱۳۹۳ش)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۸. عمید زنجانی، عباس (۱۳۸۹ش)، دانشنامه‌ی فقه سیاسی، ج ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۹. آقا مهدوی، اصغر و کاظمی، سید محمد صادق (۱۳۹۹ش)، کلیات فقه سیاسی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۰. بشیریه، حسین (۱۳۹۳ش)، آموزش دانش سیاسی، تهران: موسسه‌ی نگاه معاصر.
۱۱. مهاجرنیا، محسن (۱۳۹۷ش)، فلسفه سیاسی آیت الله خامنه‌ای، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۲. موسوی خمینی (امام)، سید روح الله (۱۳۷۸ش)، صحیفه امام، تهران: موسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۸۵ش)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۴. فوزی، یحیی (۱۳۹۹ش)، اندیشه سیاسی امام خمینی، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، دفتر نشر معارف.
۱۵. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۶ش)، میزان الحکمه با ترجمه‌ی فارسی، قم: موسسه‌ی علمی فرهنگی دارالحديث.
۱۶. خسرو پناه، عبدالحسین (۱۳۹۵ش)، منظومه فکری امام خمینی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی.
۱۷. خمینی، سید روح الله (بی تا)، آداب الصلوه، تهران: موسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۱۸. خمینی، سید روح الله (بی تا)، ولایت فقیه، تهران: موسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۹. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۴ش)، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت.
۲۰. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۲۱. مدرسی، محمد تقی (۱۳۷۷ش)، تفسیر هدایت، ترجمه: احمد آرام، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۲۲. رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۸ش)، تفسیر قرآن مهر، قم: انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
۲۳. خمینی، سید روح الله (۱۳۷۴ش)، المکاسب المحرمه، تهران: موسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۴. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴ش)، تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۵. مقیمی، غلامحسین (۱۳۹۳ش)، اندیشه‌ی سیاسی، اجتماعی امام خمینی، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
۲۶. خمینی، سید روح الله (بی تا)، کشف الاسرار، قم: انتشارات آزادی.
۲۷. خمینی، سید روح الله (۱۴۰۰ق)، تفسیر سوره‌ی حمد، قم: انتشارات اسلامی.
۲۸. خمینی، سید روح الله (۱۳۵۷ش)، مبارزه با نفس یا جهاد اکبر، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۲۹. خمینی، سید روح الله (۱۳۷۸ش)، آیین انقلاب اسلامی: گزیده‌ای از اندیشه و آرای امام خمینی، تهران: موسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳۰. خمینی، سید روح الله (۱۴۰۱ق)، تحریر الوسیله، قم: انتشارات اسماعیلیان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی